

یک گزارش از دست‌ورزبان مطبوعاتی

○ مریم مرتضوی نسب

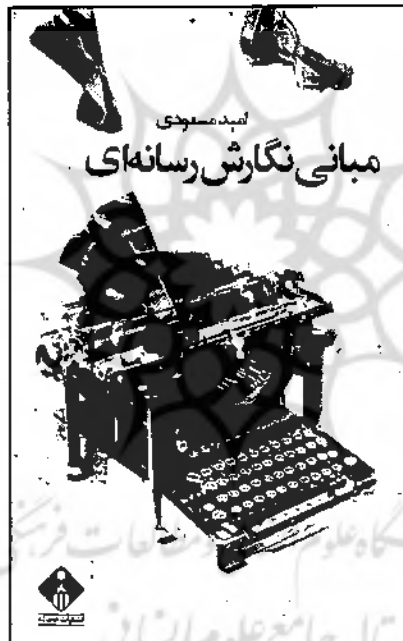
این میانه نیز گزینی کوتاه به سبک‌های ادبی و تأثیرات آن بر سبک روزنامه‌نگاری می‌زند و تفاوت‌های موجود بین این دو سبک را یادآور می‌شود. به نظر نویسنده آنچه سبک روزنامه‌نگاری را از سبک ادبی جدا می‌کند عبارت است از: ساده‌نویسی، زمان، سرعت، پرهیز از اظهارنظر شخصی و شم خبری. وی می‌توانست اندکی نیز به تأثیرات سبک روزنامه‌نگاری بر سبک ادبی بپردازد، به خصوص در دوران کنونی جامعه ما که روزنامه‌نگاری نقش مهمی در تحولات اجتماعی بازی می‌کند و به نظر نمی‌رسد که این بازی به عرصه ادبیات نیز نرسیده باشد. در صفحه ۲۶ نیز اشاره کوتاهی دارد به نامه میرزا فتحعلی آخوندزاده خطاب به میرزا آقا تبریزی در باب تأثیرات سبک ادبی بر شیوه نگارش و زبان معیار: «دوران گلستان و زینت المجالس گذشته است. امروز این قبیل تصنیفات به کار نمی‌آید. امروز تصنیفی که متضمن فواید ملت و مرغوب طبایع خوانندگان است فن دراما و رمان است.» امروز این تحول چگونه است؟

نفی پست مدرن

نویسنده بخشی از فصل سبک نگارش در مطبوعات را به روند تاریخی این سبک در ایران اختصاص داده و با نگاهی کوتاه تحولات نثر را در عرصه مدرنیسم، پست‌مدرنیسم و مینی‌مالیست درنور دیده است. این بخش جذاب در ترازوی نقد نویسنده قرار گرفته و آنچه مسلم می‌نماید نفی سبک پست‌مدرن در این مقوله کوتاه است: «سبک نگارش پست‌مدرنیسم سبکی است پر از پیچیدگیها، تو گویی پست‌مدرنیستها با مفلق گویی و پیچیده‌نویسی می‌خواهند سنگ بزرگی بر سر راه یکی از دستاوردهای مهم مدرنیسم در ادبیات بیندازند». از آنجا که پیدایش هر معلولی به عللی وابسته است، قریب به یقین ظهور پست‌مدرن نیز معلول عواملی است که شایسته بود هر چند کوتاه به آن پرداخته می‌شد و به تهایی در حصار مدرنیسم و مینی‌مالیست که نویسنده به آن قایل است کوبانده نمی‌شد.

سبک مینی‌مالیست به نقل از کاوه گوهریین، نویسنده ایرانی چنین تعریف شده است: «مینی‌مالیست به ضرورت‌های ساده‌نویسی و ایجاز در عصر انفجار اطلاعات می‌پردازد. در پدیده‌های مدرن روزگار ما جایی برای موعظه‌های نویسنده

کتاب برآمده از مقالاتی است که از اول تا هشتم آذرماه ۷۶ در یکی از روزنامه‌های عصر تهران توسط نویسنده به دست چاپ سپرده شد.» وی ابتدا در گفتاری مجزا و کوتاه بر «رعایت سادگی در نگارش مطبوعاتی» تأکید می‌کند. او معتقد است: «به کار بردن جمله‌های ساده و کوتاه عامل مؤثری در آسان درک کردن مطلب است... خصیصه واقعیت، عینیت و دقت از ویژگیهای سبک روزنامه‌نویسی است که به خصوص در مورد مقالات خبری باید دقیقاً به کار



بسته شود.»

فصل اول کتاب «سبک نگارش در مطبوعات» عنوان دارد. در این فصل کلمه «سبک» به لحاظ لنوی تعریف شده و بعد به بررسی سبک نگارش از زمان اولین روزنامه ایران یعنی کاغذ اخبار پرداخته و مثالهایی چند برای آشنایی با نثر روزنامه‌نگاری در آن دوران آورده است. آنچه که امید مسعودی در این کتاب بر آن تأکید دارد «زبان معیار» است. «زبان معیار، زبان رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها، معیار و محک دیگر زبانها برای نزدیکی و یادوری از هنجار حاکم بر زبان و نثر جامعه است و همین نکته مهم بیانگر اهمیت نثر روزنامه‌ای و سبک نگارش در مطبوعات و رادیو و تلویزیون هر کشوری می‌باشد.» از این منظر و با این تعریف، نویسنده سیری تاریخی از سبک نگارش مطبوعاتی در ایران می‌آورد و در

○ مبانی نگارش رسانه‌ای

○ امید مسعودی

○ انتشارات: خجسته، ۱۳۸۰

«می‌دانم روزنامه‌نگاری را نمی‌توان یاد داد. باید آن را زندگی کرد. اما می‌توانم بعضی از تجربه‌هایم را به شما منتقل کنم. هیچ نظریه‌ای در این مورد وجود ندارد. واقعیت نظریه ندارد؛ روایت می‌کند. باید از همین روایت یاد بگیریم.» سخنان گابریل گارسیا مارکز، روزنامه‌نگار و نویسنده مشهور کلمبیایی سرآغاز کتابی است به قلم امید مسعودی که از انتشارات خجسته در سال ۱۳۸۰ به چاپ رسیده است. این کتاب مبانی نگارش رسانه‌ای نام دارد. مضمون کلی کتاب، به اختصار در پشت جلد آمده است: «شیوه نگارش در نشریات و دیگر وسایل ارتباط جمعی با شیوه نگارش در کتابهای ادبی، تاریخی، علمی تفاوت دارد. در این کتاب می‌خوانید: پیدایش روش نگارش مطبوعاتی، تفاوت‌های روش نگارش مطبوعاتی و ادبی، شیوه نگارش مطالب علمی در رسانه‌ها، چگونه خلاصه‌نویسی کنیم، نگارش مطبوعاتی از سنت تا مدرنیسم آشنایی با روش روزنامه‌نگاران دنیا، شیوه نگارش در روزنامه‌نگاری الکترونیک.»

سرآغاز هر فصل به اشعار شعری نامی از جمله فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ، نظامی گنجوی و... آراسته شده است. شش صفحه پایانی کتاب فهرست منابع و مآخذ ایرانی و خارجی است که نویسنده از آن بهره برده و به مدد آن جذابیت ویژه‌ای به کتاب بخشیده است. تعدد منابع از چند جهت قابل توجه است. در وهله اول، استفاده از منابع متعدد در این کتاب کوچک به جذابیت‌های آن افزوده است؛ چنانکه جابه‌جای کتاب متضمن گفتاری نغز از نویسندگان و روزنامه‌نگاران است که سالها در این عرصه قلم رانده و بعضاً شهرتی جهانی یافته‌اند. در وهله بعد، سبک نگارش کتاب صورتی گزارش‌گونه گرفته است. گزارشهایی با طرح مسئله‌های مشخص و کارشناسان معین. هر چند ردپای نویسنده به وضوح دیده می‌شود، ارائه گفتارهایی از بزرگان روزنامه‌نگاری به این نوشته جذابیت فراوانی بخشیده است.

کتابی از مجموعه مقالات

نویسنده در پیشگفتار کتاب می‌نویسد: «این

نویسنده در این کتاب ده نوع تعریف از نثر ژورنالیستی، ارائه داده و آن را حاصل پرسش از ده تن از خبرنگاران و نویسندگان دانسته است؛ در حالی که می‌توانست با ارائه یک تعریف جامع و مانع از دل تعاریف مذکور، خواننده را به یک ذهنیت کاملاً مشخص از نثر روزنامه‌ای برساند

وجود ندارد.» این سبک مورد تأکید امید مسعودی برای روزنامه‌نگاران است. به نظر می‌رسد نوشتن داستانهای ۵۵ کلمه‌ای راهنمای خوبی برای خبرنگاران مطبوعات، رادیو و تلویزیون و سازمانهای خبری باشد؛ زیرا نویسندگان می‌آموزند که چگونه با کمترین کلمات و رعایت سادگی در نوشتار، مفاهیم عمیق و گسترده را در قالب یک پیام به مخاطبان خود انتقال دهند.

ساده‌نویسی

همچنین در کتاب فصلی به نام «ساده‌نویسی» دارد؛ فصلی مهم برای روزنامه‌نگاری نوآموز؛ با محتوای گزینش درست زاویه دید، تکیه بر بدیهیات، پرهیز از کلی‌گویی، صراحت لهجه، ریزش کلمات زاید و با تعریفی از «کلمات رنگین» کلمات رنگ‌آمیزی شده و واژه‌های بسی‌رنگ. این مشخصات برای همیشه و از آن تمامی روزنامه‌نگاران برشمرده می‌شود. مشخصات بسیار مهمی است اما باید در نظر گرفت که کار روزنامه‌نگاری در کشور ما با توجه به زمان و شرایط حاکم بر این عرصه، برخی از این اصول را برنمی‌تابد. اگر کتاب می‌گوید: «یک نویسنده حرفه‌ای چگونه خود را از کلی‌گویی دور نگه می‌دارد و سخنان مبهم نمی‌گوید» باید توجه داشت که با وجود صحت این مطلب، روزنامه‌نگار ایرانی همواره باید محتاط باشد. با در نظر گرفتن خطوط قرمز است که برخی از روزنامه‌نگاران حرفه‌ای به ابهام و کلی‌گویی می‌رسند. این ابهام در برخی موارد لازمه کار یک روزنامه‌نگار ایرانی است. قدری توصیه به این نکته را جدی بگیریم!

فصل بعدی کتاب آشنایی با سبک سه نویسنده و روزنامه‌نگار معروف خارجی، یعنی همینگوی، مارکز و تام ولف است که بخشی است جذاب و خواندنی. فصل چهارم نیز به ویژگیهای «نثر ژورنالیستی» اختصاص دارد. در این فصل، نویسنده تأکیدی جدی بر این جمله از «جورج دی کوپن» دارد که «اگر بنا باشد که خواننده منظور نویسنده را دریابد نویسنده نیز باید نیاز خواننده را درک کند». در این فصل ده تعریف از نثر ژورنالیستی ارائه شده که این تعاریف حاصل پرسش از ده تن از خبرنگاران و نویسندگان یک روزنامه پرتیراژ قدیمی است. با برشمردن این ده نوع تعریف نویسنده می‌توانست

استفاده از منابع متعدد در این کتاب کوچک به جذابیت‌های آن افزوده است؛ چنانکه جابه‌جای کتاب متضمن گفتاری نغز از نویسندگان و روزنامه‌نگارانی است که سالها در این عرصه قلم رانده و بعضاً شهرتی جهانی یافته‌اند

سبک نگارش کتاب، صورتی گزارش گونه به خود گرفته است. هرچند ردپای نویسنده به وضوح دیده می‌شود، ارائه گفتارهایی از بزرگان روزنامه‌نگاری نه این نوشته جذابیت فراوانی بخشیده است



یک تعریف جامع و مانع از دل تعاریف مذکور ارائه کند و خواننده را به یک ذهنیت کاملاً مشخص از نثر روزنامه‌ای برساند، به خصوص که این تعاریف تحلیل محتوا نیز شده‌اند. کوتاه سخن این که سیر تاریخی نثر ژورنالیستی، و چگونگی هرم وارونه، تعریف خیر و تکیه بر زبان معیار در نگارش آن و ریشه‌های تاریخی بدبینی به نثر روزنامه‌ای محتوای مطالب فصل چهارم‌اند.

از سوی دیگر، «تأکید بر ذکر نام منبع» عنوان فصل پنجم است. این فصل بر ذکر منبع تأکید دارد. امری که امروزه در مطبوعات ما به «عمد یا سهو» به فراموشی سپرده می‌شود. از این فصل به بعد تا فصل دهم، جذابیت‌های کتاب کم‌رنگ‌تر شده و مطالب صرفاً شیوه خشک آموزشی به خود می‌گیرد. شیوه نگارش علمی در رسانه‌ها، فصلی خشک اما پرمحتواست؛ درست مانند صفحات علمی و تئوریک یک روزنامه که مفید است، اما در صورتی که توجه

مخاطب را به خود جلب کند و خواننده شود! به طور قطع کسانی که خواهان یادگیری‌اند فرصت مطالعه چنین مقولاتی را از دست نخواهند داد. «خلاصه‌نویسی» و «درست‌نویسی» باسرعتی پرشتاب و در حجمی نه‌چندان قابل توجه، خواننده را فوراً به فصل انتهایی کتاب می‌رساند که می‌توان نامی مجزا بر آن نهاد.

روزنامه‌نگاری با متد قرن بیست و یکم

«شیوه نگارش در روزنامه‌نگاری الکترونیک» عنوانی است برای فصل آخر که در پی فصل کوتاه و نه‌چندان مفصل ۸ و ۹ و در انتهای کتاب از آن سخن به میان آمده است. روزنامه‌نگاری الکترونیک عرصه نوینی است که به سرعت حروف سربی را در خواهد نوردید». تکاپوی بشر برای دستیابی آسان، کوتاه‌مدت و کم‌هزینه به اطلاعات و امکان تجزیه و تحلیل و تبدیل آن به دانش در سالهای پایانی قرن بیستم به ثمر نشست و اینک انسان هوشمند با استفاده از سخت‌افزار و نرم‌افزار به کمک کامپیوترها می‌تواند در زمانی بسیار کوتاه به حجم وسیعی از اخبار و اطلاعات دست یابد. این فصل ۱۰ صفحه‌ای خواننده تشنه تحولات عرصه جدید روزنامه‌نگاری را تشنه‌تر می‌سازد. تعریفی که نویسنده از روزنامه‌نگاری الکترونیکی ارائه داده بدین صورت است: «روزنامه‌نگاری الکترونیکی یا دیجیتال به معنای انتشار اطلاعات، در دوره‌های زمانی مشخص، در قالب صفحاتی بر روی یک شبکه اطلاع‌رسانی یا بهتر بگوییم بر روی اینترنت است.» وجه تمایز مشخص این شیوه با روزنامه‌نگاری سنتی ارتباط دوسویه تبادل متن، صوت و تصویر میان خبرنگاران و مخاطبان است.» همچنین در این فصل به طور کاملاً مختصر و کوتاه، مختصات خبرنگاری در این عرصه جدید آورده شده است. در پایان نیز نویسنده پیش‌بینی کرده است که تا سال ۲۰۱۸ روزنامه‌نگاری کاغذی کاملاً منسوخ خواهد شد. چه باید کرد؟ این سؤال - که نویسنده مطرح می‌کند - از تمام کسانی خواهد بود که به درستی می‌دانند، هنوز خو نگرفته با روش سنتی روزنامه‌نگاری و سالها عقب‌ماندن از این عرصه، میوه نارس روزنامه‌نگاری سنتی در ایران با ظهور این عرصه جدید چه سرنوشتی خواهد داشت؟